هرگز کار سفارشی نکرده‌ام

بهروز شعیبی در گفت‌وگو با «ایران» از دغدغه‌هایی می‌گوید که به ساخت «روز بلوا» منتهی شد

از نرگس عاشوری

پس از سه فیلم به نسبت موفق «دهلیز»، «سیانور» و «دارکوب» بهروز شعیبی با چهارمین فیلم بلندش به سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر آمده است. شعیبی در «روز بلوا» قصه‌ای ملتهب و پرتحرک را با محوریت نقد تخلفات اقتصادی، اختلاس و پولشویی ساخته است اما نکته‌ای که فضای فیلم را پرالتهاب می‌کند قرار گرفتن روحانی خوش‌نام و معتبری در دوراهی انتخاب است. عماد (بابک حمیدیان) باید بین سکوت در مقابل تخلف‌های اقتصادی به وجود آمده توسط نزدیکانش یا شفافیت و اعتراض یکی را انتخاب کند. دوراهی‌ای که در یک سوی آن پای خانواده و آبروی خانوادگی در میان است و در سوی دیگرش دفاع از شرافت انسانی و حرفه‌ای‌اش. سازنده «روز بلوا» بر این باور است که فراتر از مسائل اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی خارجی، مهم‌ترین چالش و تهدید جامعه مسائل فرهنگی، رویه زندگی و نوع تفکر و اخلاق است. او معتقد است که در چنین وضعیتی ساخته شدن فیلم‌هایی چون «روز بلوا» می‌تواند یک یادآوری و توجه به اهمیت و لزوم تذکر باشد تا شاید تلنگری شود بر آنچه که تا امروز از آن غافل بوده‌ایم یا کمتر درباره آن صحبت شده است. او در گفت‌وگویی با «ایران» از دغدغه‌هایش برای ساخت «روز بلوا»، لزوم شکل‌گیری فضای گفت‌وگو، مواجهه‌اش با برچسب‌هایی همچون فیلمسازان حکومتی و سفارشی، تلاش برای پرهیز از شعارزدگی و اختلافات شکل گرفته در فضای امروز سینمای ایران گفته است.

سوژه «روز بلوا» را چطور انتخاب کردید؟ چه اتفاقی می‌افتد که یک فیلم شما مثل «سیانور» درام تاریخی-سیاسی می‌شود و فیلم‌های دیگرتان مثل «دهلیز» و «دارکوب» درام‌های اجتماعی. این تغییر در حس و حال فیلم‌ها چقدر عامدانه است؟

«سیانور» از منظر من یک فیلم سیاسی صرف نیست. این فیلم هم مثل دیگر فیلم‌هایم کدهای اجتماعی مشخصی دارد که در هر دوره‌ای قابل استناد است. اگر این نکات مدنظرم نبودند شاید اصلاً «سیانور» ساخته نمی‌شد. اما در حال حاضر فیلم نکاتی دارد که به‌لحاظ فضای اجتماعی قابل تعمیم هستند. ضمن اینکه در این فیلم کدی راجع به شخصیت‌های سیاسی از نوع حکومتی‌اش ندادیم و فقط اتفاقات یک دوره تاریخی را حول محور فعالیت جوانان و سازمان مجاهدین و فعالان سیاسی روایت کردیم. من به‌عنوان یکی از افراد همین جامعه باید فیلمی بسازم که دغدغه روز خودم باشد. من هم مثل بقیه تأثیر گرفته از فضای پیرامون و شرایط اجتماعی هستم و تا مسأله‌ای دغدغه‌ام نشود سمتش نمی‌روم. طرح اولیه «روز بلوا» هم از من بود و با حسین تراب‌نژاد آن را پروراندیم و بعد هم با همکاری مهران کاشانی فیلمنامه را نوشتیم. پیرامون ما مسائل مختلفی وجود دارد که باید راجع به آنها حرف زد. ماحصل همین دغدغه‌ها شد «روز بلوا».

طبعاً هر فیلم بازتابی از روحیه فیلمساز است و تجربه زیسته او و شما هم از این قاعده مستثنی نیستید. اما امسال بخش زیادی از فیلم‌های جشنواره با درک روح زمانه لحن اعتراضی به خود گرفته‌اند. اقبال به مسائل روز با نگاه انتقادی بخصوص از آن جنسی که در «روز بلوا» شاهدیم از چه چیزی ریشه می‌گیرد؟

از همان مسائل اجتماعی که همه ما درگیر آن هستیم. در برهه‌ای هستیم که باید راجع به آن با هم حرف بزنیم. اگر در اکران عمومی بودیم راحت‌تر می‌توانستم راجع به قصه حرف بزنم اما در وضعیت نمایش محدود جشنواره که خیلی از مخاطبان فیلم را ندیده‌اند مجبورم گفته‌هایم را در این عبارت‌ها خلاصه کنم که زندگی اجتماعی امروز ما در مسیری افتاده که لازم است دائم به هم یادآوری کنیم و تلنگر بزنیم؛ باید مردم نسبت به مسئولان، مسئولان نسبت به هم و مردم نسبت به هم حرف بزنند. تصور می‌کنم فراتر از مسائل اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی خارجی، مهم‌ترین چالش و تهدید امروز مسائل فرهنگی، رویه زندگی و نوع تفکر و اخلاق‌مان است. دغدغه اصلی فیلم «روز بلوا» یادآوری اخلاق بخصوص اخلاق اجتماعی است. متأسفانه امروز اخلاق اجتماعی ما در مسیر درستی نیست و احتیاج داریم اصول آن را به هم یادآوری کنیم.